

مطالعه معیارهای همسرگزینی و تفاوت‌های جنسی آن در شهر کرمانشاه

سراج‌الدین محمودیانی^۱

علی قاسمی‌اردهایی^۲

چکیده

ازدواج پایه تشکیل خانواده یعنی اولین واحد اجتماعی است. هدف از بررسی حاضر، مطالعه معیارهای انتخاب همسر در بین زنان و مردان در شهر کرمانشاه است. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه حاصل یک پیمایش می‌باشد که در شهر کرمانشاه اجرا شده است. جامعه آماری افراد در آستانه ازدواج می‌باشد که به مراکز بهداشتی شهر مراجعه می‌کردند و نمونه مورد بررسی شامل ۴۰۰ نفر از افراد مذکور است. یافته‌ها نشان می‌دهد، اهمیت معیار زیبایی ظاهری برای زنان با تحصیلات دیپلم، بیشتر از زنان با تحصیلات دانشگاهی است. رابطه بین پایگاه خانواده و معیار زیبایی معنادار و مثبت است. مردان اهمیت بیشتری به معیار زیبایی همسر می‌دهند. رابطه پایگاه خانواده و اهمیت معیار مذهب در بین مردان منفی و معنادار است. مردان با تحصیلات دیپلم و بالاتر در مقایسه با مردان با تحصیلات زیردیپلم، اهمیت بیشتری به ویژگی‌های اخلاقی شریک زندگی خود می‌دهند، که برای زنان نیز چنین است.

واژگان کلیدی: ازدواج، معیارهای همسرگزینی، تفاوت‌های جنسی، کرمانشاه.

۱- استادیار جمعیت‌شناسی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی، دانشگاه شیراز، (نویسنده

مسئول) serajmahmoudiani@gmail.com

۲- استادیار جمعیت‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور

مقدمه

ازدواج و تشکیل خانواده، تاریخی بسیار کهن دارد و در واقع انسان با توجه به وضعیت فرهنگی جامعه و امکانات اجتماعی و اقتصادی خود با قبول این رسم، وارد دوران جدیدی از زندگی می‌شود. ازدواج مبنای تشکیل خانواده و اولین و مهمترین واحد اجتماعی است که پایه اولیه تشکیل جامعه می‌باشد. با تشکیل این واحد، انجام یکی از وظایف مهم خانواده یعنی فرزندآوری شروع می‌شود. بنابراین، ارتباط ازدواج و تشکیل خانواده با تجدید نسل انسانی بسیار تنگاتنگ است (سیف‌اللهی، ۱۳۷۲؛ محمودیان، ۱۳۸۳). ازدواج یکی از اشکال وصلت‌های نکاحی است. وصلت‌های نکاحی یا زناشویی به هر وصلت ثابت، متشکل از دو جنس اشاره دارد. در ازدواج، زوجین از طریق مراسم، وصلت خود را قانونی می‌کنند. دائمی بودن وصلت قابل انتظار بوده و داشتن فرزند در چنین وصلت‌هایی دارای مشروعیت قانونی و اجتماعی است (لوکاس و میر^۱، ۱۳۸۱: ۱۲۴). از نظر هاریس^۲ ازدواج نهادی است که برای انجام وظایف خانواده یعنی تولید نسل، پرورش کودکان و انتقال فرهنگ بوجود آمده و وسیله‌ای برای ایجاد نظم در روابط افراد است. از نظر مالدینوفسکی ازدواج قبل از هر چیز، تأمین پدری شرعی برای کودک است (میشل^۳، ۱۳۵۴: ۱۳۷). ازدواج علاوه بر پاسخگویی به نیازهای جنسی و عاطفی فرد، نیازهای اقتصادی، ارتباطات اجتماعی و فرهنگی او را نیز تنظیم می‌کند و به‌عنوان هنجاری پذیرفته شده در تمام کشورهای دنیا، به‌شمار می‌آید. زمان و میزان احساس نیاز به همدم و ازدواج در بین افراد متفاوت بوده و از شدت و ضعف برخوردار است (کاظمی‌پور، ۱۳۸۳). همچنین ازدواج نقش مهمی در سلامت عمومی زوجین ایفا می‌کند. افراد متأهل از فواید حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی حاصل از ازدواج برخوردارند. میزان مرگ و میر در افراد دارای همسر پایین‌تر است، با کنترل عوامل متعدد، بسیار شادمان‌تر از افراد مجرد هستند و نیز سلامت جسمی و روانی آنها بیشتر و طول عمرشان زیاده‌تر است (صادقی و دیگران، ۱۳۸۸). مسأله ازدواج و زناشویی از جمله مسائل مهم حیات بشر بوده و هست. به همین خاطر، این مسأله علاوه بر ادیان و مذاهب، مورد توجه حوزه‌های علمی مختلف، چون جامعه‌شناسی، حقوق، اقتصاد، روانشناسی، فلسفه و... بوده است (حبیب‌پور و غفاری، ۱۳۹۰). مطالعات نشان داده است که طی چند دهه گذشته فرصت‌های آموزشی^۴ و تحصیلی برای مردان و زنان به شکل قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته است. اگرچه گسترش این فرصت‌ها برای زنان با کمی تأخیر صورت پذیرفته است، اما در سالیان اخیر شکاف تحصیلی میان دو جنس تا حد زیادی محو و این امر به عنصر مهمی در تعریف مجدد جایگاه و نقش زنان در خانواده و حتی در کل جامعه تبدیل شده است (عباسی‌شوازی و عسکری‌ندوشن، ۱۳۸۴؛ زنجانی، ۱۳۸۷). امروزه

1 - Lucas & Meyer

2 - Harris

3 - Michel

4 - Educational Opportunities

حتی تعداد زنان در تحصیلات دانشگاهی بیشتر از مردان می باشد، به طوری که در سال ۱۳۷۷ سهم زنان از پذیرفته شدگان دانشگاهی ۵۲ درصد بوده که در سال ۱۳۷۸ به ۵۷ درصد، در سال ۱۳۷۹ به ۶۰ درصد و در سال ۱۳۸۰ به ۶۲ درصد رسید، همچنین در سال تحصیلی ۸۳-۱۳۸۲ از بین شمار ثبت نام شده های دانشگاه ها و مؤسسات آموزش عالی ۵۴ درصد را زنان تشکیل داده است که این رقم برای سال های تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳ و ۸۵-۱۳۸۴ به ترتیب برابر با ۵۷،۶ و ۶۳،۵ درصد شده است (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۶؛ عبداللهیان، ۲۰۰۴). انتظار می رود بالا بودن سهم زنان از تحصیلات عالی منجر به ورود زنان به بازار کار و افزایش میزان اشتغال آنان شود. درصد مردان دارای تحصیلات عالی در طول سال های ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۰ از ۳،۸ به ۱۸،۲ درصد افزایش یافته است و درصد زنان دارای تحصیلات عالی نیز از ۲،۶ درصد به ۱۸،۴ درصد در همین فاصله زمانی افزایش یافته است. نکته قابل توجه این است که درصد زنان دارای تحصیلات عالی برای اولین بار در سال ۱۳۹۰ از مردان پیشی گرفته است. شواهد نشان می دهد، استان کرمانشاه نیز مستثنی از تغییرات مذکور نبوده است. نرخ باسوادی در دوره ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰ برای مردان در این استان از ۶۷،۸ درصد به ۸۶،۷ درصد و برای زنان استان از ۴۳ درصد به ۷۶،۸ درصد رسیده است. درصد جمعیت شهرنشین در این استان نیز به ترتیب از ۵۶،۲ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۶۹،۷ درصد در سال ۱۳۹۰ و به بیش از ۷۵ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است. (نتایج سرشماری جمعیتی ۱۳۶۵؛ گزیده نتایج سرشماری ۱۳۹۰؛ نتایج سرشماری ۱۳۹۵) بنابراین با توجه به تغییرات اتفاق افتاده همچون افزایش سواد و سطح تحصیلی و همچنین جمعیت شهری که از عناصر نوسازی به شمار می آید، مطالعه حاضر بدنبال بررسی معیارهای انتخاب همسر در بین زنان و مردان است. در این پژوهش تلاش شده است، تا تفاوت ها و اهمیت معیارهای مورد نظر در بین زنان و مردان آزمون شود.

شواهد نظری و تجربی

«نظریه مدرنیزاسیون» تغییر الگوهای ازدواج را با تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی و ظهور نیروهای جدید اجتماعی یعنی سه جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی در ارتباط می داند. بر این اساس تحولات ازدواج و خانواده به عنوان سازگاری نظام مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی- اجتماعی تغییر یافته، نگریسته می شود (ویکس، ۲۰۰۲: ۴۱۶ به نقل از عباسی شوازی و صادقی، ۱۳۸۴). این نظریه که بر پایه ترکیب مدل های مفهومی دو نظریه جامعه شناختی؛ نظریه تکاملی قرن نوزدهم و نظریه کارکردگرایی ساختاری قرن بیستم، بسط یافته است، پایه نظری بسیاری از تحقیقات در زمینه تغییرات و تحولات نظام خانواده و بویژه سن ازدواج را تشکیل می دهد. ویلیام جی گود^۱ در سال ۱۹۶۳ با بررسی تغییرات ساختاری خانواده در سرتاسر جهان، تأثیر آن را بر سن ازدواج بررسی کرده است. از نظر او فرایند جهانی نوسازی، صنعتی شدن و شهرنشینی موجب تغییر در ساختار سنتی خانواده و توسعه خانواده های جدید از نوع اروپایی

در سراسر جهان شده است. در این فرایند نقش شبکه خویشاوندی در روابط خانوادگی تغییر یافته و الزامات دو جانبه بین زوجها و شبکه خویشاوندی وجود ندارد. نو مکانی، انتخاب آزادانه همسر، توافق اولیه بین زن و شوهر و ضرورت علاقه دو جانبه بین آنها، از نتایج سازگاری خانواده با شرایط زندگی مدرن است. زمانی که چنین سیستمی از خانواده شکل می‌گیرد و زنان نقش بیشتری در فعالیت‌های خارج از خانه می‌یابند، باید انتظار تغییر الگوی عمومی سن ازدواج را داشته باشیم (کنعانی، ۱۳۸۵). یک بررسی انجام شده در مالزی توسط جونز^۱ (۱۹۸۱) نظریه نوسازی را تأیید کرده است. بررسی مذکور نشان داده است که سن ازدواج زنان همزمان با شهرنشینی، توسعه آموزش برای زنان و افزایش مشارکت زنان در بخش مدرن اقتصاد، افزایش یافته است. بنابراین با توجه به نظریه فوق با افزایش سطح تحصیلات، افزایش میزان شهرنشینی، ورود به بازار کار (اشتغال) و در کل بهبود موقعیت افراد (خصوصاً برای زنان) انتظار می‌رود، الگوی سن ازدواج تغییر کند. در همین زمینه حسین‌زاده شاندیز (۱۳۸۲) در بررسی خود با عنوان «معیارهای همسرگزینی و ازدواج در بین جوانان مجرد در شهر شاندیز» که با استفاده از روش پیمایش و حجم نمونه ۱۲۰ نفر از جوانان ۳۲-۱۸ ساله شهر شاندیز صورت گرفته است، نشان داده است که دختران بیشتر از پسران به معیارهای مذهبی بودن و وضعیت اقتصادی همسر توجه دارند. حیدری و همکاران (۱۳۸۷) نیز در مطالعه خود نتیجه گرفته‌اند، معیار زیبایی ظاهری برای پسران بیشتر از دختران حایز اهمیت است. مطالعه‌ای تطبیقی (زارعی، ۱۳۸۸) در دو منطقه ۶ و ۱۲ در تهران نشان داده است، تنها میزان اهمیت معیار مذهبی بودن همسر، در دو منطقه تفاوت معنادار دارد و میزان اهمیت این معیار در منطقه ۱۲ بیشتر از منطقه ۶ است. مطالعه‌ای دیگر (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹) در بین دانشجویان، دریافته است، بین معیارهای انتخاب همسر و جنس رابطه معنادار وجود دارد. بیشترین اختلاف در پاسخ‌ها در زیبایی ظاهری و شغل همسر بوده که به‌ترتیب برای پسران و دختران از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است. همچنین یافته‌های مطالعه فوق نشان داده است، با افزایش تحصیلات، اهمیت معیار زیبایی ظاهری برای دختران کمتر و برای پسران بیشتر می‌شود. باس و بارنس^۲ (۱۹۸۶) در یک بررسی نتیجه گرفتند، مردان بیشتر از زنان به جذابیت فیزیکی اهمیت می‌دهند، در مقابل زنان بیشتر از مردان به پتانسیل درآمد خوب و تحصیلات عالی همسر خود، توجه نشان می‌دهند. مطالعه‌ای در اردن (خالد^۳، ۲۰۰۵) نتیجه گرفته است که پسران بیشتر به زیبایی زنان و در مقابل دختران بیشتر به توانایی اقتصادی و تعهد مرد در انتخاب همسر اهمیت می‌دهند. فیش‌مان^۴ و همکاران (۲۰۰۶) در یک مطالعه نتیجه گرفتند، زنان در انتخاب همسر وزن بیشتری برای بینش و فهم شریک خود و مردان

1- Jones

2- Buss & Barnes

3 - Khallad

1 - Fishman

وزن بیشتری برای جذابیت فیزیکی زنان قابل هستند. شاریل عبدالله^۱ و همکاران (۲۰۱۱) در پژوهشی در مالزی به این نتیجه دست یافتند که تفاوت‌های جنسیتی معناداری در معیار انتخاب همسر وجود دارد. مردان بر ظاهر و قیافه تأکید دارند، در حالی که زنان ترجیح می‌دهند، با کسی که دارای شغل خوب و تحصیلات بالا بوده ازدواج کنند.

روش تحقیق

داده‌های مورد استفاده در این مطالعه، حاصل یک پیمایش است که در فروردین ۱۳۹۲ در شهر کرمانشاه و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، انجام شده است. جمعیت آماری در این تحقیق، کلیه افراد در آستانه ازدواجی است که جهت انجام آزمایشات پزشکی قبل از ازدواج، به مراکز بهداشتی-درمانی سطح شهر مراجعه می‌کردند. شهر کرمانشاه دارای ۶ منطقه شهرداری است. ابتدا مناطق ۶ گانه از نظر اقتصادی و اجتماعی در سه طبقه (بالا، پایین و متوسط) دسته‌بندی شدند. سپس از هر طبقه یک منطقه به تصادف انتخاب شد، تا نماینده وضعیت اقتصادی اجتماعی آن طبقه باشد. در نهایت نیز با مراجعه به یک مرکز بهداشتی در آن منطقه، داده‌ها جمع‌آوری گردید. نمونه آماری شامل ۴۰۰ نفر از افراد مراجعه‌کننده به مراکز بهداشتی منتخب می‌باشد که به منظور جلوگیری از هم‌پوشانی داده‌ها، از هر زوج مراجعه کننده، فقط به یک نفر از آنها مراجعه و داده‌ها جمع‌آوری شد. بنابراین، نمونه مورد بررسی در این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر زن و ۲۰۰ نفر مرد است. اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری نیز با انجام یک پیش آزمون و با استفاده از روش آلفای کرونباخ و تحلیل عاملی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. مقدار آلفای کرونباخ، برای تمامی گویه‌های مورد استفاده بالای (۰٫۷۰) بدست آمد. در آزمون تحلیل عاملی نیز گویه‌های مورد استفاده، بار یک عامل شدند، لذا نشان از همسازی درونی بسیار خوب گویه‌های تحقیق داشتند. لازم به ذکر است که برای تأیید پرسشنامه محقق ساخته از اعتبار صوری بهره برده شد، یعنی با مراجعه به چندین نفر از صاحب‌نظران مورد تأیید قرار گرفته است.

متغیرهای تحقیق

معیارهای همسرگزینی در مطالعه حاضر، شامل معیار زیبایی ظاهری، معیار مذهبی بودن، معیار پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده همسر، معیار پایگاه اقتصادی-اجتماعی همسر و معیار ویژگی‌های اخلاقی همسر است.

تعاریف عملیاتی متغیرها

- **معیار زیبایی ظاهری:** این معیار در این تحقیق از طریق ۳ گویه زیبایی صورت، خوش اندامی و سن همسر سنجیده شده است. پاسخ به این سؤالات شامل یک طیف ۵ تایی با دامنه خیلی مهم با امتیاز ۵، تا بی اهمیت با امتیاز ۱ بوده است.
- **معیار مذهبی بودن:** این معیار از طریق ۲ گویه یعنی انجام فرائض دینی فردی (نماز خواندن، روزه گرفتن و...) و شرکت در مراسم مذهبی جمعی سنجیده شده است. پاسخ به این سؤالات شامل یک طیف ۵ تایی با دامنه خیلی مهم با امتیاز ۵، تا بی اهمیت با امتیاز ۱ بوده است.
- **معیار پایگاه اقتصادی اجتماعی همسر:** در این تحقیق این معیار با استفاده از ۳ گویه یعنی درآمد همسر، شغل همسر و تحصیلات همسر سنجیده شده است. پاسخ به این سؤالات شامل یک طیف ۵ تایی با دامنه خیلی مهم با امتیاز ۵، تا بی اهمیت با امتیاز ۱ بوده است.
- **معیار پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده همسر:** این معیار در این تحقیق با استفاده از ۵ گویه تحصیلات پدر و مادر همسر، درآمد پدر همسر، نوع شغل پدر همسر و تعداد خواهران و برادران همسر، در یک طیف ۵ تایی از خیلی مهم با امتیاز ۵، تا بی اهمیت با امتیاز ۱ سنجش شده است.
- **معیار ویژگی های اخلاقی همسر:** این معیار از طریق ۴ گویه آرام بودن، داشتن عفت و متانت، داشتن استقلال رأی و مهربان بودن، سنجیده شده است. پاسخ به این سؤالات شامل یک طیف ۵ تایی با دامنه خیلی مهم با امتیاز ۵، تا بی اهمیت با امتیاز ۱ بوده است.

یافته های تحقیق

براساس یافته های جدول ۱، نسبت بی سواد مادران (۴۶ درصد) بیشتر از پدران (۳۷ درصد) و این که نسبت پدران با تحصیلات دانشگاهی، بیشتر از نسبت مادران با تحصیلات دانشگاهی است. به ترتیب ۷۰ درصد مردان و ۷۴ درصد زنان، تحصیلات بالاتر از دیپلم و یا به عبارتی تحصیلات دانشگاهی دارند. این موضوع بیان کننده دو نکته است؛ از طرفی ورود یکی از عناصر نوسازی یعنی تحصیلات را در بین جامعه مورد مطالعه نشان می دهد و نکته دیگر بالا بودن تحصیلات دانشگاهی در بین زنان، نسبت به مردان است. بنابراین دسترسی به تحصیلات دانشگاهی برای نسل قبلی در مقایسه با نسل حاضر پایین و در بین زنان نیز محدودتر از مردان بوده است.

جدول (۱): توزیع افراد نمونه بر حسب برخی ویژگی های اقتصادی-اجتماعی

جنس	سطح تحصیلات والدین	فراوانی	درصد	سطح تحصیلات پاسخگویان	فراوانی	درصد	وضعیت اشتغال	فراوانی	درصد
مرد	بی سواد	۱۴۸	۳۷	زیر دیپلم	۲۴	۱۲	شاغل	۱۳۵	۶۷,۵
	ابتدایی و راهنمایی	۱۳۹	۳۴,۸	دیپلم	۳۶	۱۸	غیر شاغل	۶۵	۳۲,۵
	متوسطه و دیپلم	۶۳	۱۵,۸	بالتر از دیپلم	۱۴۰	۷۰	کل	۲۰۰	۱۰۰
	بالتر از دیپلم	۵۰	۱۲,۵	کل	۲۰۰	۱۰۰			
زن	بی سواد	۱۸۵	۴۶,۳	زیر دیپلم	۱۵	۷,۵	شاغل	۳۲	۱۶
	ابتدایی و راهنمایی	۱۴۹	۳۷,۳	دیپلم	۳۷	۱۸,۵	غیر شاغل	۱۶۸	۸۴
	متوسطه و دیپلم	۴۱	۱۰,۳	بالتر از دیپلم	۱۴۸	۷۴	کل	۲۰۰	۱۰۰
	بالتر از دیپلم	۲۵	۶,۳	کل	۲۰۰	۱۰۰			
میزان درآمد خانواده (هزار تومان)									
مرد	طبقه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	زن	طبقه	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
	زیر ۲۰۰	۱۴	۷	۷		زیر ۲۰۰	۱۰	۵	۵
	۲۰۱ تا ۴۰۰	۴۱	۲۰,۵	۲۷,۵		۲۰۱ تا ۴۰۰	۳۳	۱۶,۵	۲۱,۵
	۴۰۱ تا ۶۰۰	۵۰	۲۵	۵۲,۵		۴۰۱ تا ۶۰۰	۳۷	۱۸,۵	۴۰
	۶۰۱ تا ۸۰۰	۳۶	۱۸	۷۰,۵		۶۰۱ تا ۸۰۰	۵۲	۲۶	۶۶
	۸۰۰ تا ۱ میلیون	۳۱	۱۵,۵	۸۶		۸۰۰ تا ۱ میلیون	۳۶	۱۸	۸۴
	بالتر از ۱ میلیون	۲۸	۱۴	۱۰۰		بالتر از ۱ میلیون	۳۲	۱۶	۱۰۰
	کل	۱۰۰	۱۰۰			کل	۲۰	۱۰۰	
پایگاه خانواد ه	مرد		زن		کل				
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد			
	۱۹	۹,۵	۱۷	۸,۵	۳۶	۹	بالا		
	۵۱	۲۵,۵	۸۶	۴۳	۱۳۷	۳۴,۲	متوسط		
	۱۳۰	۶۵	۹۷	۴۸,۵	۲۲۷	۵۶,۸	پایین		
		۲۰۰	۲۰۰	۱۰۰	۴۰۰	۱۰۰	کل		

با توجه به اطلاعات مندرج در جدول ۱، حدود ۶۸ درصد مردان و ۱۶ درصد زنان در آستانه ازدواج شاغل می باشند. این موضوع به اهمیت بیشتر اشتغال برای مردان در هنگام ازدواج اشاره دارد. با این حال ۱۶ درصد از زنان در آستانه ازدواج شاغل هستند که هرچند در مقایسه با مردان رقم بالایی نیست، اما بیان کننده محقق شدن شرایط برای ورود زنان به بازار کار است. حدود ۵۰ درصد مردان و ۶۰ درصد زنان اظهار نموده اند، خانواده شان بالای ۶۰۰ هزار تومان درآمد ماهانه دارد. در بین مردان و زنان، بیشترین فراوانی مربوط به درآمد ماهانه ۴۰۱ تا ۶۰۰ هزار تومان و ۶۰۱ تا ۸۰۰ هزار تومان است، بنابراین زنان در مقایسه با مردان به خانواده هایی با شرایط مالی بهتر تعلق داشته اند. با ترکیب سه گویه سطح تحصیلات والدین و درآمد خانوادگی آنها، متغیر پایگاه خانوادگی افراد ساخته شده است که در مجموع حدود ۹۰ درصد پاسخگویان متعلق به طبقات متوسط رو به پایین می باشند.

در ادامه به آزمون روابط متغیرهای مستقل با معیارهای انتخاب همسر به تفکیک جنس پرداخته شده است. با توجه به مندرجات جدول ۲، میانگین مردان در نمره زیبایی ظاهری بیشتر از میانگین کسب شده زنان در این شاخص است. تفاوت میانگین بین زنان و مردان معنادار می‌باشد بنابراین نتیجه گرفته می‌شود که در نمونه مورد نظر مردان اهمیت بیشتری به زیبایی ظاهری همسرشان در هنگام ازدواج می‌دهند. آزمون تفاوت میانگین‌ها، از بالا بودن میانگین نمره زنان در شاخص معیار مذهبی حکایت دارد، یعنی زنان بیشتر از مردان به معیار مذهبی بودن اهمیت می‌دهند، اما با توجه به این که سطح معناداری T بیشتر از ۰,۰۵ است، پس فرض تفاوت معنادار میانگین‌ها، رد می‌شود. معیار دیگر که در انتخاب همسر حایز اهمیت است، وضعیت پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر می‌باشد. میانگین‌های بدست آمده برای نمره زنان و مردان در این شاخص از بالا بودن نمره میانگین زنان در این مورد حکایت دارد. تفاوت میانگین نمره زنان و مردان در این شاخص معنادار است. با توجه به بالا بودن میانگین نمره زنان در این شاخص، می‌توان نتیجه گرفت، زنان بیشتر از مردان در هنگام انتخاب همسر به معیار پایگاه اقتصادی، اجتماعی همسر آینده خود اهمیت می‌دهند. این موضوع می‌تواند به این نکته برگردد که زنان کماکان وابسته به شوهران، تلقی می‌شوند، بنابراین شغل، تحصیلات و سایر شرایط اقتصادی شوهر برای زنان در هنگام انتخاب همسر مهم است. با توجه به میانگین‌های بدست آمده، می‌توان گفت، مردان بیشتر از زنان به معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و در مقابل زنان بیشتر به معیار ویژگی‌های اخلاقی همسران آینده خود اهمیت می‌دهند. اما تفاوت‌های مشاهده شده، معنادار نیست.

جدول (۲): تفاوت میانگین نمره معیارهای همسرگزینی بر حسب جنس

میانگین خطای استاندارد	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد		
۰,۱۴۸۳۵	۲,۰۰۹۸	۱۰,۰۹۸	۲۰۰	مرد	معیار زیبایی ظاهری
۰,۱۵۰۲۸	۲,۱۲۵۳۲	۱۰,۰۳۴	۲۰۰	زن	
T=۳,۰۳۱Sig(2 tailed)=۰,۰۰۳					
۰,۱۷۴۶۸	۲,۴۷۰۳۱	۶,۰۹۱	۲۰۰	مرد	معیار مذهبی بودن
۰,۱۴۳۶۱	۲,۰۳۰۹۱	۷,۰۱۴۵	۲۰۰	زن	
T=-۱,۰۳۹Sig(2 tailed)=۰,۳۰۹					
۰,۱۸۶۷۶	۲,۰۶۴۱۵	۷,۰۸۱۵	۲۰۰	مرد	معیار پایگاه اقتصادی اجتماعی همسر
۰,۱۹۱۸۶	۲,۷۱۳۲۸	۱۲,۰۰۷	۲۰۰	زن	
T=۱۵,۸۹۲ Sig(2 tailed)=۰,۰۰۰					
۰,۳۰۶۲۶	۴,۳۳۱۱۲	۱۱,۷۳۵	۲۰۰	مرد	معیار پایگاه خانواده همسر
۰,۲۹۶۱۵	۴,۱۸۸۱۷	۱۱,۰۳۷	۲۰۰	زن	
T=۰,۸۵۷ Sig(2 tailed)=۰,۳۹۲					
۰,۱۳۰۹۸	۱,۰۸۵۳۱	۱۸,۰۱۹	۲۰۰	مرد	معیار ویژگی‌های اخلاقی همسر
۰,۱۳۹۶	۱,۰۹۷۴۳۱	۱۸,۰۵۴	۲۰۰	زن	
T=-۱,۸۲۸ Sig(2 tailed)=۰,۰۶۸					

همان طوری که ذکر شد، با افزایش تحصیلات باید انتظار تغییر الگوهای عمومی ازدواج را داشته باشیم. در ادامه به تأثیر تحصیلات بر معیارهای همسرگزینی، پرداخته شده است. برای آزمون این فرضیات، از آزمون F استفاده و نتایج در جدول ۳ منعکس شده است. تفاوت میانگین نمره شاخص، اهمیت معیار زیبایی ظاهری بر حسب تحصیلات برای هیچ یک از دو جنس معنادار نشده است. با وجود این، با افزایش سطح تحصیلات، توجه به معیار اهمیت زیبایی ظاهری در بین مردان بیشتر شده است. با توجه به مقایسه های جفتی تفاوت میانگین ها، تنها یک تفاوت معنادار وجود دارد. زنان با تحصیلات دیپلم، در مقایسه با زنان با تحصیلات دانشگاهی، نمره میانگین بیشتری کسب کرده، یعنی اهمیت معیار زیبایی ظاهری در انتخاب همسر برای زنان با تحصیلات دیپلم، بیشتر از زنان با تحصیلات دانشگاهی است. میانگین های بدست آمده برای مردان در شاخص مذهبی بودن با افزایش تحصیلات روند مشخصی ندارد، اما برای زنان با افزایش تحصیلات، میانگین نمره بدست آمده بیشتر شده است، یعنی اهمیت این معیار برای زنان با افزایش تحصیلات بیشتر می شود. با افزایش سطح تحصیلات انتظار می رود که اهمیت معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر همانند سطح تحصیلات، درآمد و شغل همسر در هنگام انتخاب همسر بیشتر شود. با توجه به نتایج آزمون F تفاوت میانگین های بدست آمده در این شاخص برای مردان و زنان معنادار می باشد. با توجه به مقایسه های جفتی مردان با تحصیلات دیپلم، میانگین کمتری در مقایسه با مردان با تحصیلات دانشگاهی در این شاخص دارند. به عبارتی، اهمیت معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر، برای مردان با تحصیلات دانشگاهی، بیشتر از مردان با تحصیلات دیپلم بوده و در سطح ۰,۰۵ معنادار است. زنان با تحصیلات راهنمایی و کمتر در مقایسه با زنان با تحصیلات دیپلم، میانگین کمتری در این شاخص به خود اختصاص داده اند، به عبارتی اهمیت معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر برای زنان با تحصیلات دیپلم، بیشتر از زنان با تحصیلات راهنمایی و کمتر و در سطح ۰,۰۵ معنادار است.

جدول (۳): تفاوت میانگین نمره معیارهای انتخاب همسر بر حسب تحصیلات

جنس	سطح تحصیلات	میانگین نمرات کسب شده			
		زیبایی ظاهری	مذهبی بودن	پایگاه همسر	پایگاه خانواده
مرد	زیر دیپلم	۱۰,۷۵	۶,۳۳۳۳	۷,۰۸۳۳	۱۲,۱۶۶۷
	دیپلم	۱۰,۸۶	۷,۴۴۴۴	۷,۰۵۵۶	۱۰,۵۸۳۳
	بالتر از دیپلم	۱۱,۰۵	۶,۸۷۱۴	۸,۱۳۵۷	۱۱,۹۵۷۱
	کل	۱۰,۹۸	۶,۹۱	۷,۸۱۵	۱۱,۷۳۵
مقدار F		۰,۲۷	۱,۵	۳,۵	۱,۵
سطح معناداری		۰,۷۵	۰,۲۲	۰,۰۳	۰,۰۲
زن	زیر دیپلم	۱۰,۲	۶,۴۶۶۷	۱۱	۱۰,۳۳۳۳
	دیپلم	۱۱,۰۲	۷,۰۲۷	۱۲,۹۱۸۹	۱۱,۲۷۰۳
	بالتر از دیپلم	۱۰,۱۸	۷,۲۴۳۲	۱۱,۹۶۶۲	۱۱,۵
	کل	۱۰,۳۴	۷,۱۴۵	۱۲,۰۷	۱۱,۳۷
مقدار F		۲,۴	۱,۰۷	۳,۱	۰,۵۳
سطح معناداری		۰,۰۹	۰,۳۴	۰,۰۴	۰,۵۸

میانگین نمره کسب شده برای مردان در معیار پایگاه خانواده با افزایش تحصیلات، روند مشخصی ندارد، اما برای زنان با افزایش تحصیلات، میانگین نمرات آنها در این شاخص بیشتر شده، یعنی اهمیت این معیار با افزایش تحصیلات در بین زنان بیشتر شده است. به عبارتی زنان تحصیل کرده‌تر در هنگام انتخاب همسر، به وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده همسر آینده خود، توجه بیشتری نشان می‌دهند. لازم به ذکر است که رابطه سطح تحصیلات و معیار پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده همسر، برای هیچ‌کدام از دو جنس معنادار نشده است. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات زنان، میانگین نمرات آنها در شاخص ویژگی‌های اخلاقی نیز بیشتر شده است، یعنی با افزایش سطح تحصیلات، توجه زنان به ویژگی‌های اخلاقی شریک زندگی‌شان افزایش می‌یابد. برای مردان هرچند روند خطی دیده نمی‌شود، اما تفاوت قابل توجهی بین مردان دارای تحصیلات کمتر از دیپلم و مردان با تحصیلات بالاتر دیده می‌شود. با توجه به سطح معناداری بدست آمده، تفاوت میانگین‌ها برای زنان و مردان معنادار است. مقایسه‌های جفتی نیز نشان داد، بین مردان با تحصیلات کمتر از دیپلم و مردان با تحصیلات بالاتر، تفاوت معناداری در سطح ۰,۰۵ وجود دارد. به عبارتی مردان دو گروه مذکور در مقایسه با مردان با تحصیلات کمتر از دیپلم، اهمیت بیشتر و معناداری به معیار ویژگی‌های اخلاقی در موقع انتخاب شریک آینده زندگی خود می‌دهند، برای زنان نیز وضعیت مشابه مردان است.

جدول ۴، نتایج آزمون T در خصوص شاخص اهمیت معیارهای انتخاب همسر را بر حسب وضعیت اشتغال و به تفکیک جنس نشان می‌دهد. براساس یافته‌های جدول فوق الذکر، میانگین نمره مردان و زنان غیرشاغل در معیار زیبایی ظاهری نسبت به افراد شاغل بیشتر است، یعنی زنان و مردان غیرشاغل در مقایسه با هم‌تایان شاغل خود، به معیار زیبایی ظاهری در هنگام انتخاب همسر اهمیت بیشتری می‌دهند. البته لازم به ذکر است، تفاوت مشاهده شده در میانگین‌ها، برای دو جنس معنادار نیست. میانگین نمره کسب شده در معیار مذهبی بودن توسط زنان و مردان شاغل، بیشتر از افراد غیرشاغل است، یعنی شاغلین نسبت به افراد غیرشاغل به ویژگی مذهبی بودن شریک آینده زندگی‌شان توجه بیشتری دارند. با توجه به میانگین‌های بدست آمده، تفاوت میانگین‌ها در بین مردان بیشتر از زنان است. تفاوت‌های مشاهده شده در بین مردان و زنان شاغل و غیرشاغل معنادار نشده است.

نتایج آزمون تفاوت میانگین نمرات کسب شده توسط زنان و مردان پاسخگو در شاخص اهمیت معیار پایگاه اقتصادی-اجتماعی همسر، نشان می‌دهد که برای مردان میانگین شاغلین و برای زنان میانگین غیرشاغلین، بالاتر است. بدین معنا که مردان شاغل در مقایسه با مردان غیرشاغل و زنان غیرشاغل نسبت به زنان شاغل، اهمیت بیشتری برای معیار پایگاه اقتصادی-اجتماعی همسر قابل هستند. با این وجود، بین افراد شاغل و غیرشاغل از نقطه نظر اهمیت دادن به معیار پایگاه اقتصادی-اجتماعی همسر تفاوت معناداری وجود ندارد. میانگین نمرات مردان و زنان غیرشاغل در معیار پایگاه خانواده، نسبت به شاغلین بالاتر است. یعنی غیرشاغلین بیشتر به معیار پایگاه اقتصادی-اجتماعی خانواده طرف مقابل در موقع انتخاب همسرشان توجه دارند. رابطه مذکور از نظر آماری معنادار نیست. تفاوت میانگین نمره مردان و زنان در شاخص ویژگی‌های اخلاقی برحسب وضعیت اشتغال معنادار نیست، اما با وجود این، مردان شاغل و زنان غیرشاغل، نسبت به هم‌تایان خود به ویژگی‌های اخلاقی همسر آینده‌شان توجه بیشتری نشان می‌دهند.

جدول (۴): تفاوت میانگین نمره معیارهای انتخاب همسر برحسب وضعیت اشتغال

جنس	وضعیت اشتغال	میانگین نمرات کسب شده			
		زیبایی ظاهری	مذهبی بودن	پایگاه همسر	پایگاه خانواده
مرد	شاغل	۱۰۰۸۵۹۳	۷۰۰۷۴۱	۸۰۰۲	۱۱۰۷۱
	غیرشاغل	۱۱۰۲۳۰۸	۶۰۵۶۹۲	۷۰۳۸	۱۱۰۷۸
مقدار T		-۱،۱۷	۱،۲	۱،۶	-۰،۱۱
سطح معناداری		۰،۲۴	۰،۲	۰،۱۱	۰،۹۱
زن	شاغل	۱۰۰۱۸۷۵	۷۰۳۷۵	۱۱۰۹	۱۰۰۸۱
	غیرشاغل	۱۰۰۳۶۹	۷۰۱۰۱۲	۱۲،۱	۱۱۰۴۷
مقدار T		-۰،۴۴	۰،۶۹	-۰،۳۷	-۰،۸۲
سطح معناداری		۰،۶۵	۰،۴۸	۰،۷۱	۰،۴۱

جدول ۵، نشان دهنده نتایج آزمون پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و اهمیت معیارهای انتخاب همسر می باشد. رابطه مذکور در ارتباط با معیار زیبایی ظاهری برای مردان و زنان به- ترتیب در سطح ۰,۰۱ و ۰,۰۵ معنادار و مثبت است، یعنی با بهتر شدن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اهمیت معیار زیبایی ظاهری در انتخاب همسر نیز بیشتر می شود. رابطه مذکور برای مردان (با ضریب ۰,۲۳) قوی تر از رابطه آن دو متغیر برای زنان (با شدت ۰,۱۵) می باشد. همبستگی دو متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و اهمیت معیار مذهبی بودن در انتخاب همسر، برای مردان منفی و معنادار می باشد. بنابراین، می توان چنین تفسیر نمود، با بهبود پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اهمیت معیار مذهبی بودن برای مردان در هنگام انتخاب همسر کاهش می یابد. رابطه مذکور برای زنان نمونه مورد بررسی معنادار نشده است. انتظار می رود، با بالا رفتن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اهمیت معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر نیز بیشتر شود. نتایج حاکی از آن است که هرچند رابطه مورد نظر، دارای جهت مثبت است، یعنی با بهتر شدن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اهمیت معیار مورد نظر در انتخاب همسر نیز بیشتر می شود، اما رابطه معناداری بین دو متغیر در نمونه مورد بررسی برای مردان و زنان یافت نشده است. نتایج آزمون همبستگی نشان می دهد، با بالا رفتن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اهمیت معیار پایگاه خانواده همسر برای زنان در هنگام انتخاب همسر بیشتر می شود. برای مردان نیز رابطه مثبت می باشد، اما معنادار نشده است.

آخرین معیار در انتخاب همسر که در ارتباط با پایگاه خانواده پاسخگویان، مورد آزمون قرار گرفته است، معیار ویژگی های اخلاقی همسر می باشد. نتایج نشان می دهد، رابطه معناداری بین دو متغیر، در بین زنان و مردان پاسخگو بدست نیامده است. بنابراین می توان نتیجه گرفت، هرچند رابطه مورد بررسی برای دو جنس، دارای جهت مثبت می باشد، یعنی با بهتر شدن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اهمیت معیار مورد نظر نیز بیشتر می شود، اما در مجموع وضعیت پایگاه خانواده، اثر معناداری بر میزان اهمیت معیار ویژگی های اخلاقی همسر در هنگام ازدواج ندارد.

جدول ۵): همبستگی پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و اهمیت معیارهای همسرگزینی

ویژگی‌های اخلاقی	پایگاه خانواده	پایگاه همسر	مذهبی بودن	زیبایی ظاهری			
۰,۲۴	۰,۰۹۶	۰,۰۴۸	۱۷۸-	۰,۲۳۷	همبستگی پیرسون	مرد	پایگاه خانواده
۰,۷۳۴	۰,۱۷۵	۰,۵۰۳	۰,۰۱	۰,۰۰۱	Sig. (۲-tailed)		
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	تعداد		
۰,۰۶۷	۰,۲۰۲	۰,۰۵	۰,۰۵۳	۰,۱۵۱	همبستگی پیرسون	زن	
۰,۳۴۵	۰,۰۰۴	۰,۴۸۶		۰,۰۳۳	Sig. (۲-tailed)		
۲۰۰	۲۰۰	۲۰۰	۴۵۹.	۲۰۰	تعداد		

***معناداری در سطح ۰,۰۱

***معناداری در سطح ۰,۰۵

نتیجه گیری

ازدواج اساس تشکیل خانواده و اولین واحد اجتماعی و زیربنای جامعه است. با توجه به تحولات صورت گرفته در وضعیت اجتماعی زنان و مردان در ایران، انتظار می رود که الگوهای ازدواج، و مشخصاً معیارهای افراد در انتخاب شریک زندگی شان، نیز تغییر نموده باشد. در مطالعه حاضر تلاش شده است، تفاوت معیارهای همسرگزینی در بین زنان و مردان در آستانه ازدواج در شهر کرمانشاه آزمون شود. یافته ها نشان داد، اهمیت معیار زیبایی ظاهری برای زنان با تحصیلات دیپلم، بیشتر از زنان با تحصیلات دانشگاهی است. این یافته با نتایج برخی مطالعات پیشین (احمدزاده و همکاران، ۱۳۸۹) که نشان داده اند با افزایش سطح تحصیلات، اهمیت معیار زیبایی ظاهری برای زنان کمتر می شود، همخوانی دارد. تفاوت معناداری بین افراد شاغل و غیرشاغل از نظر توجه به معیار زیبایی ظاهری بدست نیامد. رابطه بین پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و معیار زیبایی ظاهری معنادار و مثبت بود. در آزمون مقایسه میانگین ها نیز مشخص شد، در نمونه مورد نظر، مردان اهمیت بیشتری به معیار زیبایی ظاهری همسر می دهند، که این نتیجه با یافته های برخی مطالعات پیشین (حیدری و همکاران، ۱۳۸۷؛ باس و بارنس، ۱۹۸۶؛ خالد، ۲۰۰۵؛ فیشمان و همکاران، ۲۰۰۶؛ شاریل عبدالله و همکاران، ۲۰۱۱) همسو است. نتایج آزمون F نشان داد، رابطه تحصیلات و اهمیت معیار مذهبی بودن برای هیچ کدام از دو جنس معنادار نمی باشد. همچنین تفاوت معناداری بین افراد شاغل و غیرشاغل از نظر توجه به معیار مذهبی بودن، بدست نیامد. بر مبنای نتایج آزمون همبستگی، مشخص شد که رابطه دو متغیر پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و اهمیت معیار مذهبی بودن در بین مردان، منفی و معنادار است، یعنی با بهبود پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اهمیت معیار مذهبی بودن برای مردان در همسرگزینی کاهش می یابد. در برخی مطالعات قبلی (حسین زاده شانددیز، ۱۳۸۳) نشان داده شده است که دختران بیش از پسران به معیار مذهبی بودن توجه دارند، اما در مطالعه حاضر هرچند میانگین های بدست آمده در این شاخص برای زنان بیشتر از مردان بود، یعنی زنان اهمیت بیشتری به این معیار می دهند، اما تفاوت معناداری وجود نداشت. نتایج مطالعه حاضر نشان داد، اهمیت معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر برای مردان با تحصیلات دانشگاهی، بیشتر از مردان با تحصیلات دیپلم است. اهمیت معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر، برای زنان با تحصیلات دیپلم بیشتر از زنان با تحصیلات کمتر از دیپلم است. همچنین نتایج نشان داد، وضعیت اشتغال و پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده دارای اثر معناداری بر معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر نیست. برخی شواهد تجربی (حسین زاده شانددیز، ۱۳۸۳؛ عباس زاده و همکاران، ۱۳۸۹؛ باس و بارنس، ۱۹۸۶؛ خالد، ۲۰۰۵) نشان داده اند که زنان بیشتر از مردان به معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر، اهمیت می دهند. در مطالعه حاضر نیز با توجه به بالا بودن میانگین زنان در این شاخص و معناداری آن، نتیجه گرفته شد که زنان مورد مطالعه، بیشتر از مردان به معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی همسر اهمیت می دهند. این موضوع یعنی

اهمیت بیشتر زنان به وضعیت اقتصادی همسر با توجه به دیدگاه پارسونزی، امری طبیعی است، چون در جامعه ایران مطابق عرف، مردان عهده‌دار هزینه زندگی خانواده هستند (مقدس‌جعفری و یعقوبی‌چوبری، ۱۳۸۵). براساس نتایج آزمون تفاوت میانگین‌ها، سطح تحصیلات و وضعیت اشتغال افراد، دارای اثر معنادار بر معیار پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده همسر نبود. آزمون رابطه پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده و معیار فوق نشان داد که فقط برای زنان، رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد، یعنی با بالا رفتن پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اهمیت معیار پایگاه خانواده شوهر، برای زنان در انتخاب همسر افزایش می‌یابد. اما با توجه به عدم معناداری آزمون مورد استفاده، مشخص شد که تفاوت معناداری بین زنان و مردان در میزان اهمیت معیار مورد نظر وجود ندارد. یافته‌ها همچنین نشان داد، مردان با تحصیلات دیپلم و تحصیلات بالاتر از دیپلم، در مقایسه با مردان با تحصیلات کمتر از دیپلم، اهمیت بیشتری به معیار ویژگی‌های اخلاقی همسر می‌دهند. برای زنان نیز وضعیت مشابه مردان بدست آمد. وضعیت اشتغال و همچنین وضعیت پایگاه اقتصادی- اجتماعی خانواده، اثر معناداری بر میزان اهمیت معیار ویژگی‌های اخلاقی همسر در هنگام ازدواج نداشتند. برخی مطالعات (فیش‌مان و همکاران، ۲۰۰۶) نشان داده‌اند، زنان بیشتر از مردان به معیار بینش و درک همسر اهمیت می‌دهند، که تا حدودی تداعی کننده همان ویژگی‌های اخلاقی همسر می‌باشد. در این مطالعه نیز میانگین نمره زنان در این معیار، بیشتر از مردان بدست آمد، یعنی اهمیت این معیار برای زنان بیشتر از مردان است، هر چند فرض معناداری تفاوت میانگین مردان و زنان رد شد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت، زنان در مقایسه با مردان در هنگام انتخاب شریک ازدواج خود، اهمیت بیشتری به مسائل ظاهری و مذهبی او می‌دهند. با افزایش تحصیلات، اهمیت ویژگی‌های ظاهری شریک ازدواج کاهش می‌یابد و نیز این که ویژگی‌های اقتصادی- اجتماعی مردان، خصوصاً وضعیت اشتغال آنها، برای زنان در هنگام انتخاب همسر، اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد.

منابع

- حبیب پور، کرم و غلامرضا غفاری (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، صص ۳۴-۷.
- حسین زاده شانديز، هادی (۱۳۸۳). بررسی معیارهای همسرگزینی در بین جوانان مجرد شهر شاندیز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- حیدری، جبار؛ جعفری، هدایت؛ افضل، محمدعلی؛ محمدپور، رضاعلی و قهرمان محمودی (۱۳۸۷). معیارهای ازدواج از دیدگاه دانشجویان مجرد دانشگاه علوم پزشکی مازندران، پژوهش پرستاری، دوره ۳، شماره ۱۰ و ۱۱، صص ۶۲-۵۵.
- زارعی، فایزه (۱۳۸۸). بررسی تطبیقی سن ازدواج، نحوه انتخاب همسر و معیارهای همسرگزینی در شهر تهران: مطالعه موردی مناطق ۶ و ۱۲، پایان نامه ارشد، دانشگاه تهران.
- زنجانی، حبیب الله (۱۳۸۷). نگاهی به آمار طلاق در ایران، پایگاه اطلاع رسانی بهنا.
- سیف اللهی، حجت الله (۱۳۷۲). بررسی علت های طلاق: کاربرد روش تجزیه عاملی ارتباط-ها، نامه علوم اجتماعی، شماره ۳، جلد دوم.
- صادقی، منصوره السادات؛ پوراعتماد، حمیدرضا و محمدعلی مظاهری (۱۳۸۸). نقش ازدواج در سلامت عمومی زوج های جوان: مطالعه ای طولی، فصلنامه روانشناسی کاربردی، سال ۳، شماره ۲، صص ۲۴-۷.
- طباطبایی یزدی، مژگان (۱۳۸۶). مطالعه روند افزایش دانشجویان دختر نسبت به پسر و سهم عوامل مؤثر بر این روند، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گزارش معاونت پژوهش های اقتصادی (<http://www.csr.ir>).
- عباس زاده، محمد؛ بهی، مهدی؛ دربندی، محمدعلی؛ یوسفی، محمود و فیصل جمال زاده (۱۳۸۹). بررسی معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان دختر و پسر دانشگاه علوم پزشکی زابل در سال ۱۳۸۷، فصلنامه علمی پژوهشی رستمینه، دانشگاه علوم پزشکی زابل، شماره ۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴). تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد، نامه علوم اجتماعی شماره ۲۵، صص ۷۵-۲۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴). قومیت و الگوهای ازدواج در ایران، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۱، صص ۴۷-۲۵.
- کاظمی پور، شهلا (۱۳۸۳). تحول سن ازدواج زنان در ایران و عوامل جمعیتی مؤثر بر آن، پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۳.
- کنعانی، محمدامین (۱۳۸۵). پیوند سنت و نوسازی در افزایش سن ازدواج: نمونه ایرانیان ترکمن، نامه انجمن جمعیت شناسی ایران، سال یکم، شماره ۱، صص ۱۲۶-۱۰۴.
- لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۱). درآمدی بر مطالعات جمعیتی، ترجمه حسین محمودیان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- محمودیان، حسین (۱۳۸۳). سن ازدواج در حال افزایش: بررسی عوامل پشتیبان، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۵). نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). گزیده نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵.
- مقدس جعفری، محمدحسن و علی یعقوبی چوبری (۱۳۸۵) تغییرات، ویژگی‌ها و موانع ازدواج در استان گیلان با تأکید بر شهرستان رشت، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال یکم، شماره ۲، صص ۸۹-۱۱۰.
- میشل، اندره (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی خانواده و ازدواج، ترجمه فرنگیس اردلان، تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- Abdollahyan, H. (2004). The generation gap in contemporary Iran, *Journal of Welt Trends*, 44: 74-85.
- Buss, D. and Barnes, M. (1986). Preferences in human mate selection, *Journal of personality and social psychology*, Vol. 50, No. 3, 559-570.
- Fishman, R. Yengar, S. Kamenica, E. and Simonson, I (2006). Gender differences in mate selection: Evidence from a speed dating experiment, *Quarterly Journal of Economics*, 673-697.
- Haslee, Sharil Abdullah; Lau, Poh Li and Anand Paul Vijayan David. (2011). Gender differences in Mate Selection Criteria Among Malaysian Undergraduate Students. *Sarjana*, Vol. 26, No. 2, pp. 33-50.
- Jones, G. (1981). Malay marriage and change in Peninsular Malaysia: Three decades of change, *Population and Development Review* 7(2): 255-278
- Khallad, Y. (2005). Mate selection in Jordan: Effects of sex, socio-economic status and culture, *Journal of social and personal relationship*, 22(2), published by: SAGE publications.